



فرمایشات حضرت آقای مجذوب علیشاه
 « فکر و ذکر و تسلط بر قوه خیال »
 مجلس صبح جمعه ، ۲۳ دیماه سال ۱۳۹۰



مجموعه نور
 شماره ۶

خبری، تحلیلی، فرهنگی / سال اول - بهمن ۹۰

عقاید اهل بیت



یک هفته بی خبری مطلق از
 وضعیت در ایش بازداشت شده



مصاحبه با
 دکتر بیژن بیدآباد
 (قسمت دوم)

لزوم آگاهی از حقوق
 قانونی

تحقیقی پیرامون تصوف و
 عرفان اسلامی

سخنی با عوامل سازنده برنامه
 « عرفان های کاذب » شبکه ۳



همیشه رسم و سیاق آغاز مجله بر این بود که زادروز ولادت یکی از اولیاء الهی و عرفا و بزرگان را تبریک گفته و ذکر کوتاهی از ایشان را حسن مطلع قرار می‌دادیم.

اما بدیهی است که رسم روزگار بر رسم مجله بسی چیره‌تر است. چراکه مقدر چرخ این نیست که همواره بر یک مسیر بچرخد بلکه ولادت و وفات و غم و شادی را به هم می‌آمیزد و ناگیز از هم می‌کند. این بار قویم به روزهای پر اندوه ماه صفر رسید، ماهی که اربعین عاشورا را در خود دارد و رحلت پیامبر شفاعت را. پیامبری که محمد بود. مصطفی و برگزیده خدا بود.

مقام محمد به راستی بزرگ‌ترین هدیه الهی به بشر است، مقامی که مصداق لولاک ما خلقت و افلاک است، مقام و حقیقتی که ظهوری به قدمت ازل دارد چرا که خود او فرمود: «اول ما خلق الله نوری؛ نخستین چیزی که خداوند خلق کرد نور من بود» و فرمود «من پیامبر بودم وقتی که آدم هنوز در بین خاک و آب بود» مقامی که در او فوت، افتی نیست چرا که خداوند به او فرمود که «انا انزلنا الذکر و انا له لحافظون» او جاویدان است و همواره سرچشمه جوشان عنایت و فیض الهی است.

مصطفی را وعده کرد الطاف حق
گر بمیری تو نمیرد این سبق
من ترا اندر دو عالم حافظم
طاغیان را از حدیث رافضم
رونقت را روز روز افزون کنم
نام تو بر زر و بر نقره زخم
منبر و محراب سازم بهر تو
در محبت قهر من شد قهر تو
تا قیامت باقیش داریم ما
تو مترس از نسخ دین ای مصطفی

سالروز وفات پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) را بر تمام مسلمین تسلیت عرض می‌نماییم.

خبرنامه خبری، تحلیلی، فرهنگی مجذوبان نور
در زمینه حقوق بشر، علوم انسانی و علوم اجتماعی
سال اول / شماره ششم / بهمن ماه ۱۳۹۰

فرمایشات

• فرمایشات حضرت آقای مجذوب‌علیشاه
« فکر و ذکر و تسلط بر قوه خیال »

اخبار درویش

• یک هفته بی خبری مطلق از وضعیت درویش
بازداشت شده

گفتگو

• مصاحبه با دکتر بیژن بیدآباد (قسمت اول)

مقاله

• تحقیقی پیرامون تصوف و عرفان اسلامی
• سختی با عوامل سازنده «عرفان‌های کاذب» شبکه ۳
حقوق بشر

• لزوم آگاهی از حقوق قانونی

جامعه شهروندی امروز بیش از گذشته بر ساخته و وابسته به مولفه‌های چون سیاست، اقتصاد و حقوق و مسائلی از این دست می‌باشد، پس لاجرم شهروند چنین جامعه‌ای نیز تنها با آگاهی و شناخت کافی هر یک از این مولفه‌ها قادر به بهتر زیستن در جامعه می‌باشد.

در روزهای گذشته باز هم شاهد دستگیری و بازداشت گروهی دیگر از درویش گنابادی به بهانه‌های بی‌اساس در ادامه بازداشت‌های چند ماهه گذشته بوده‌ایم که نشان می‌دهد مساله درویش به صورت یک پروژه در دستور کار قرار گرفته است، اما علت این دستگیری‌ها هر چه باشد تنها درویش را در آگاهی هر چه بیشتر از حقوق خود و لزوم دفاع و پیگیری آن مصرتر و مصمم‌تر می‌سازد.

در همین راستا خبرنامه مجذوبان نور در شماره ششم خود اقدام به ایجاد بخشی برای آموزش ساده مبانی حقوق کرده تا با این کار زمینه آگاهی از حقوق قانونی شهروندی که از الزامات زندگی در هر جامعه ایی می‌باشد را فراهم سازد.

مجذوبان نور

لزوم آگاهی از حقوق قانونی با اطلاع از قوانین، از حقوق قانونی خود دفاع کنید

در طول سالیان گذشته این چنین برخوردها از سوی نیروهای امنیتی با جامعه در ارایش گنابادی کم نبوده بلکه به شکلی مستمر و مداوم ادامه داشته است تخریب و پلمپ حسینیه‌ها و مجالس در ارایش گنابادی و تشکیل پرونده‌های قضایی با اتهاماتی واهی و بی‌اساس برای بیش از ۱۰۰۰ تن از پیروان این سلسله در طی این سال‌ها نشان دهنده عدم رعایت قوانین رایج مملکت و نقض حقوق مسلم در ارایش گنابادی است. با توجه به چنین وضعیتی آگاه بودن به حقوق قانونی خود از الزامات زندگی در دوره حاضر است، از این پس در خبرنامه مجذوبان نور به بررسی دلایل لزوم آگاهی از قوانین و حقوق شهروندی پرداخته خواهد شد.

آیا دانستن حقوق قانونی با توجه به برخوردهای غیر قانونی مقامات و قدرت آن‌ها فایده‌ای دارد؟



برای مثال؛ با طرح این موضوع به بازجویان که چشم بند زدن و از اتاقی به اتاقی دیگر بردن، تهدید کردن، بی‌خوابی دادن، سوالات تلقینی و مبهم پرسیدن و... برخلاف قانون حقوق شهروندی است و یا در اعتراض به بازداشت‌های غیرقانونی و بدون حکم قضایی یا تفتیش و بازرسی غیرقانونی منازل، باین پاسخ‌ها از سوی نیروهای امنیتی و بازجویان مواجه شوید: «نیازی به اینکه یاد ما بدهید نیست» «اینجا جای این حرف‌ها نیست» «این حرف‌ها برای کتاب‌ها است و تنها برای خواند و شنیدن» «این حرف‌های مفت را و کلا یادتان دادند؟!»، حالا حساب آن‌ها هم می‌رسیم» «ما دستور مقامات رسمی و عالی رتبه را اجرا می‌کنیم» و غیره

در پاسخ به این سوال و شبهه باید دانست که:

اصل و ماده و تبصره و تذکر مسائل قانونی و حقوق شرعی تنها راه دفاع از عقیده و آزادی اندیشه است. از طرفی به هر حال شاید گوش شنوایی پیدا شود

و بازوهای نظارتی ارگانه‌های رسمی به تخلفات رسیدگی کنند. وقتی از طرف مأموری امر خلاف قانون اعمال می‌شود، وظیفه ما فقط تذکر و اطلاع رسانی اعمال خلاف قانون به مقامات عالی رتبه و مراجع ذیربط است. مأمور متخلفی که مشاهده می‌نماید، فرد بازداشت شده توسط او، از حقوق قانونی خود آگاهی دارد و مصرانه بر حفظ حقوق خود پافشاری می‌کند قهراً و به ناچار مقید به رعایت موازین قانونی و شرعی شده و نهایتاً نمی‌تواند با استفاده از جهل اشخاص آنان را مجبور به اقرار خلاف واقع نماید.

ضمن آنکه؛ از لحاظ روان‌شناسی نیز وقتی شخص حقوق قانونی خود را بداند می‌تواند بدون ترس و بدون آنکه تحت تأثیر جو بازداشت و بازجویی قرار گیرد، اظهارات خود را بیان نماید.

و در نهایت، تنها راه مقابله با بی‌عدالتی متحجرین، بازجوها و مامورین خاطی، مقابله قانونی است. زیرا ما سلاحی جز قانون برای دفاع از حقوق قانونی خود نداشته و جز تمسک به قانون راهی نداریم.

نلسون ماندلا رهبر آفریقای جنوبی که باعث از بین رفت آپارتاید نژادی شد، خود حقوقدان و وکیل بود و یا گاندی حقوقدان بود و آن‌ها تنها از راه قانون توانستند با بی‌قانونی مبارزه کنند و در آخر هم با تحمل زندان و سختی‌های بسیار پیروز شدند.



مصاحبه با دکتر بیژن بیدآباد (قسمت دوم)

می شود و به شکوفایی می رسد. که همان طور که گفتیم از این شکوفایی تا شکوفایی بعدی معمولا ۸ تا ۱۱ سال طول می کشد. این پدیده در اقتصاد های جهان تقریبا چیزی حول و حوش از سال های ۱۸۰۰ به این طرف شناخته شده است و یعنی از وقتی آمار های اقتصادی مدون شده این سیکل ها را می شود دید. این سیکل ها معمولا شرایط را به گونه ای ایجاد می کند که وقتی سیکل به نقطه پایین یعنی نقطه بحرانی می رسد معمولا تجار و بازرگانان ورشکست می شوند و بیکاری زیاد می شود و بعد به صورت اتوماتیک دوباره شروع به رونق می کند و به مرحله شکوفایی می رسد .

بالا تر از این سیکل ها ، سیکل هایی هستند که حدودا ۸۰ سال یک بار اتفاق می افتد که معروف هستند به سیکل های کندراتیف. این سیکل ها موج های عظیمی هستند که اقتصاد ها در طول ۸۰ سال یک بار آن را تجربه می کنند. در سال ۱۹۲۹ بحران مربوط به همان سیکل اتفاق افتاد. سال ۱۹۲۹ میلادی به گونه ای بود که تمام اقتصاد کشور های غرب و به تبع آن شرق عالم صدمه شدیدی دید که حدود ۸۰ سال بعد از آن سیکلی اتفاق افتاد که همان بحران سال ۲۰۰۸ میلادی بود. بحران سال ۱۹۲۹ عملا ۱۰ سال به طول انجامید یعنی ۱۰ سال طول کشید که این بحران رفع شود. یعنی وقتی سیکل های کنترتایف با سیکل های ۸ ساله جاگلار مخلوط شوند تولید یک موج های جدیدی می کنند که از قوانین فیزیکی هم تبعیت می کند. قانون ترکیب موج ها را حتما در فیزیک مطالعه کردید. این ها باعث می شود که شرایط بحرانی خیلی عظیمی به وجود آید. معمولا این بحران از کشور آمریکا به وجود می آید و بعد به اروپا می رسد و بعد کشورهای صنعتی شرق آسیا و بعد به کشور های توسعه نیافته.

علت حرکت این بحران ها از کشوری به کشور دیگر ارتباط مالی بین

هم اکنون مساله بحران مالی و اقتصادی در غرب مدتی است که به یکی از موضوعات داغ و جدی تبدیل شده به طوری که روی جنبه های سیاسی و اجتماعی کشورها هم تاثیر گذار بوده. به نظر شما به زبان خیلی ساده دلیل اصلی به وجود آمدن این بحران چه عاملی بوده و سرنوشتش چطور پیش بینی می شود و چه تاثیراتی روی سایر کشورها دارد ؟

طبیعت بشر همیشه منجر به شرایطی می شود که رفتار اقتصادی انسان به گونه ای باشد که یک تموجات و نوساناتی در فعالیت اقتصادی او به وجود بیاید. این تموجات معمولا اشکال مختلفی دارد. مانند سیکل های روزانه ، هفتگی ، ماهانه و سالانه . به عنوان مثال مصرف در مقطعی از سال افزایش پیدا می کند و در مقطعی کاهش پیدا می کند، این کاهش و افزایش مصرف منجر به افزایش و کاهش در تولید می شود، و به طبع در اشکال و مقدار درآمد تغییر ایجاد می شود و نتیجا می بینیم کل اقتصاد همواره دارای یک نوساناتی است. این سیکل ها در حد هفتگی و روزانه و ماهانه و یا حتی سالانه خیلی زیاد مدنظر اقتصاد دانان قرار نمی گیرد زیرا طبیعی است و هر سال اتفاق می افتد و خیلی هم شدید نیست. برای مثال شما در حدود مهر ماه شاهد هستید که قیمت پوشاک گران می شود و در اواخر سال می بینیم که به دلیل اینکه هزینه های دولت در آن زمان زیاد است و شب عید را داریم و مصرف نیز بالاست، تغییراتی در قیمت ها اتفاق می افتد. این سیکل ها خیلی طبیعی اتفاق می افتد. در همه اقتصاد ها هم هست. بالا تر از این ها یک سیکل هایی است که معروف هست به سیکل های جاگلار که حدودا هر ۸ تا ۱۱ سال در اقتصاد پیدا می شود که یک دوران شکوفایی دارد و بعد از آن نوبت به دوران رکود و بحران می رسد و پس از آن دو مرتبه رونق اقتصاد شروع



برای مثال باعث شود که صادرات کم شود و یا اینکه واردات بیشتر شود. اگر سیاست های دولت ها به گونه ای باشد که اجازه تغییرات قیمت ها را زیاد ندهد عملا این اتفاق به وجود نمی آید و نتیجتاً تراز پرداخت های انباشته ایجاد می شود که تراز پرداخت های انباشته به معنی تغییر در ذخایر ارزی یک کشور است. خب وقتی که در یک کشور در یک منطقه پول واحد ذخایر ارزی رو به افزایش برود در کشور دیگر بدهی های ارزی اتفاق می افتد. این همان پدیده ای است که در اروپا به نام بحران بدهی های شناخته شد و الان شاهد آن هستیم. الان رقم بدهی های ایتالیا بیش از یک تریلیارد دلار است و در یونان همین طور در باقی کشور ها هم به همین صورت است. ولی در مقابل کشور هایی مثل آلمان و فرانسه وضعیت برعکسی دارند. برای همین است که کشور های مختلف عضو یورو خیلی به آلمان و فرانسه توجه دارند که منابع استغراضی به آنها بدهند تا این تعادل برقرار شود.

حالا در جواب اینکه چرا این بحران ها اتفاق می افتد من مواردی زیادی رو در مقالات اشاره کردم که این مقالات را هم در سایت خودم WWW.bidabad.com می توانید، ملاحظه کنید، ولی یکی از منشا های اصلی آن وجود نرخ های بهره است.

پس به نظر شما دلیل اصلی این بحران ها همان بهره یا ربا که در دین اسلام هم از آن نهی شده می باشد؟ یعنی در سطح جهانی اینقدر تاثیر گذار بوده است؟

نرخ های بهره همون چیزی است که تمام پیامبران در ازمنه قدیم از آن به اسم ربا نام برده اند. این موضوع هم مختص پیامبر اسلام (ص) نیست بلکه اگر شما در تورات نگاه کنید هم همین طور است. دقت کنید که تورات مجموعه ای از کتب پیامبران سلف است و تنها کتاب حضرت

کشورهاست. یعنی سیگنال ها و علایم قیمت در بازرگانی خارجی و همچنین حرکت سرمایه در جامعه بین المللی این سیکل ها را از یک کشور به کشور دیگر منتقل می کند.

این چیزی هم که در حال حاضر اتفاق افتاده عملا سیکل کنترتایف است که با سیکل های جاگلار ترکیب شده و آثارش را در کشور های غرب به وضوح می بینیم. و الان هم به کشور های دیگر از جمله ایران وارد شده. که اگر از سه سال پیش اقتصاد ایران را نگاه می بینیم که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به شدت پایین آمده بلکه در بعضی از سالهای اخیر هم حتی منفی شده. و این عارضه ای نیست که تنها مختص به سیاست های داخل کشور باشد بلکه آثار بیرونی هم دارد و از آنجا منتقل شده. شرایط این سیکل در سال های ۱۹۲۹ به گونه خاصی ظاهر شده که با سال های اخیر متفاوت است. از جمله تفاوت ها این است که شرایط آب و هوایی به شدت تغییر کرده. تغییر شرایط آب و هوایی در سطح کره زمین روی خود سیکل تاثیر قابل توجهی دارد. مثلاً وقتی خشک سالی اتفاق می افتد عملا تولیدات کشاورزی در سطح کره زمین کم می شود. و با تغییر شرایط لایه اوزون خود باعث تغییرات شرایط آب و هوایی شده و آثار بسیار حادی را بر تولیدات کشاورزی دارد و تولیدات کشاورزی در اصل قوت مردم این سیاره است. از این سمت شما نگاه می کنید می بیند که قیمت گندم و غلات و سایر محصولات کشاورزی به شدت در دهه گذشته افزایش پیدا کرده و همه اینها عاملی شد که این سیکل کنترتایف را تشدید کند. همچنین از دیگر ویژگی های دیگر این بحران که آن را از بحران سال ۱۹۲۹ متفاوت می سازد قیمت انرژی و نفت است. در آن سال ها وابستگی به انرژی در تولید کمتر از شرایط فعلی بود ولی در حال حاضر این طور نیست مخصوصاً هنوز سوخت های فسیلی به عنوان منبع عظیم انرژی شناخته می شود که با توجه به عرضه و تقاضای منابع سوخت های فسیلی عملاً فشار زیادی را بر بهای تمام شده کالا گذاشت و نتیجتاً این سیکل را در سال های اخیر تشدید کرد. از دیگر ظواهرات این سیکل مساله بحران دیگری است که آن به عنوان بحران یورو یا بحران بدهی ها معروف است. که در اروپا مخصوصاً شاهد آن هستیم. که می بینیم کشور ها یکی پس از دیگری دچار شرایط وخیم اقتصادی شدند. مثلاً یونان وضعیتی بسیار حادی پیدا کرده، ایتالیا به همین صورت و همچنین اسپانیا در معرض این بحران است و پرتغال و دیگر کشور هایی مثل لهستان در حال وارد شدن به این بحران هستند. خاصیتی که این بحران در اروپا دارد و متفاوت از وضعیت سال ۱۹۲۹ است این است که پول اروپا واحد است. پول واحد از منظر اقتصادی ابزار بسیار مناسبی برای توسعه و رشد اقتصادی کشور هاست ولی چیزی که زیان دارد این است که کشور های اروپایی نخواستند که خودشان را با پول واحدی که دارند وفق بدهند. ببیند وقتی که نرخ ارز بین دو کشور متغیر است عملاً تراز پرداخت ها که حاصل صادرات منهای واردات هست را به گونه ای تنظیم می کند. یعنی عملاً وقتی که صادرات بر واردات فزونی می یابد عملاً درآمد های عرضی آن کشور زیاد شده و نرخ ارز پایین می آید و این موضوع باعث می شود که انگیزه صادر کننده کم شود و انگیزه وارد کننده زیاد شود. یعنی دو مرتبه صادرات و واردات به تعادل برسند و تراز پرداخت ها به سمت صفر رود و اقتصاد به وضعیت تعادل کشانده بشود ولی وقتی که نرخ ارز بین اینها واحد در نظر گرفته شود، مثلاً منطقه یورو، این مکانیزم دیگر توسط نرخ ارز تعادل ایجاد نمی کند. چون نرخ ارز واحد است. آثار این مطلب در دو جا پیدا می شود، یا باید قیمت های منطقه ای تغییر پیدا کند، که تعادل را ایجاد کند که افزایش قیمت ها

موسی نیست، بلکه از صحف ابراهیم یا از کتاب حضرت سلیمان و دانیال نبی و ... در آن هست و در آنجا هم ربا حرام است. حضرت عیسی هم ربا را ممنوع فرموده اند یعنی به صراحت در انجیل نیامده ولی فرموده اند آنچه را که در تورات آمده همان را من قبول می کنم. این به این مفهوم است که ایشان هم حرام فرموده اند. در ادیان شرقی هم نگاه کنید انبیای الهی که در شرق عالم بوده اند هم همین کار را کرده اند. مثلاً آیین برهما و یا بودا که حدود ۲۰۰۰ سال پیش مبعوث شده بود هم ربا حرام است و در آیین کنفوسیوس هم نگاه کنید که قدمت آن ۲۵۰۰ سال پیش هست ربا حرام است. خب این موضوع این سوال را به ذهن می آورد که چرا همه پیامبران متفق القول هستند بر اینکه ربا حرام است؟ خب مسلماً امر الهی بر این بوده و حکمت هایی را در وجود ربا مشاهده فرموده اند که این پدیده را مذموم دانسته اند.

از لحاظ اجتماعی مساله تبعات خودش را دارد اما من به مسائل اقتصادی آن برمی گردم. من در مقالات متعدد ثابت کرده ام که از لحاظ ریاضی چه ارتباطی در جریان فعالیت های اقتصادی واقع می شود که ربا یا نرخ بهره عملاً باعث نوسانات اقتصادی کشور ها می شود. پس اگر ما بتوانیم به گونه ای نرخ های بهره را به شکلی از میان بخش پولی و تولید اقتصاد حذف کنیم می توانیم از نوسانات اقتصادی جلوگیری کنیم. **خب راه حل عملی هم برای جلوگیری از این نوسانات و بحران ها وجود دارد؟ و آیا ایده شما در مورد بانک داری راستین هم در این جهت است؟**

این شیوه ای که من عرض می کنم که به عنوان بانک داری اسلامی است، در آن بانک به عنوان واسطه و وجه قرار می گیرد نه به عنوان یک بنگاهی که از تفاوت نرخ های بهره تسهیلات یا وام ها و سپرده ها منافع کسب کند.

مفهوم حذف نرخ بهره از بخش بانکی و تبدیل آن به واسطه و وجه این است که عملاً سپرده گذار در سود و زیان وام گیرنده شریک باشد. این همون بحث مشارکت در سود و زیان است که در همه ادیان هم پذیرفته شده است. خب با این نگاه می شود سیکل های اقتصادی را مرتفع کرد، یعنی همین نوساناتی که اقتصاد ها دچار می شوند و عمق این نوسانات گاهی انقدر زیاد است که به بیکاری میلیون ها نفر و ورشکستگی صدها هزار شرکت تولیدی می انجامد را می توان جلوگیری کرد.

پیشنهاد من برای این موضوع بانکداری راستین بود. بانک داری راستین مجموعه ای از شیوه های مختلف بانکداری است که بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین یکی از بخش های این بانکداری است. علی القاعده تمام اصول اخلاقی که پیامبران سلف در ارتباط با رفتار انسانها در حیطه مسائل اقتصادی تعریف کردند بسیار غنی است و من سعی کردم که تا حد امکان و تا جایی که می شد از این اصول استفاده کنم، در تعریف رفتاری این نوع بانکداری که مستندات زیادی هم دارد، شاید نزدیک به ۸۰، ۹۰ کتاب و مقاله در این زمینه خود من نوشته ام که همه این موضوعات دلالت بر جزئیات فنی این نوع بانکداری می کند.

الان این بانکداری تا چه حد قابل عملیاتی شده است؟ چه تلاش هایی برای اجرا و توسعه آن صورت پذیرفته است؟

شیوه خاصی از آن که تحت عنوان بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین است الان در بانک ملی فعال شده و از سال گذشته که اولین شعبه بانکداری مشارکتی در شعبه قبا بانک ملی در ۲۰ آذر سال ۸۹ افتتاح شد، همچنان رو به گسترش است. تا الان تعداد بسیار زیادی از پرسنل بانک ملی آموزش های لازم را دیده اند ولی هنوز جریان به

صورت یکپارچه عمل نمی شود به دلیل اینکه ابتدای کار هستیم ولی خب با حمایت هایی که بانک ملی از این موضوع کرد عملاً ظرف ۵ سال گذشته که این طرح عملیاتی شد الان شرایط مناسبی به وجود آمده که بشود این بانکداری را رشد داد. با توجه به اینکه الان بانک ها دچار کسری منابع هستند و خیلی از این بابت صدمه پذیر شده اند، خب بانک داری مشارکتی در سود و زیان راستین هم می تواند مشکل بانک ها را حل کند و هم اینکه عوارض سو ناشی از بسیاری از این نوسانات اقتصادی را جلوگیری کند. کارگروه طرح تحول ساختار بانکی از خود من دعوت کرد در مورد این موضوع مطالبی را در آن کارگروه طرح کنم که دو سه جلسه پیاپی در ماه های گذشته شخصا حاضر شدم و بخش هایی از این شیوه بانکداری را در آنجا مطرح کردم. کارگروه طرح تحول ساختار بانکی آن را به عنوان یک شیوه مناسب پذیرفته و آن را در دستور کار خودش قرار داده و یکی از اصول اساسی طرح تحول ساختار بانکی همین طرح بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین هست که امید داریم که مراحل نهایی را طی کند و به مرحله اجرایی در تمام بانک ها برسد. با توجه به اینکه کارگروه طرح تحول ساختاری این موضوع را به عنوان یک شیوه عملیاتی می خواست. به واسطه همین ما در بانک ملی یک کمیته حقوقی تدوین مقررات و آیین نامه اجرایی بانکداری راستین را فعال کردیم. این کمیته که از ابتدای اردیبهشت سال جاری کار خودش را شروع کرد، الان تقریباً بیش از شصت جلسه ۸ ساعته داشته که جلسات آن به صورت مستمر در حال تشکیل است. الان در حال حاضر بخش اول این آیین نامه نوشته شده به علاوه اینکه لایحه قانونی بانکداری راستین هم در حال تدوین است. این آیین نامه اجرایی تا الان چیزی حدود ۴۵۰ ماده قانونی دارد و لایحه قانون بانکداری راستین هم در حال حاضر چیزی حدود ۱۵۰ ماده قانونی آن را در کمیته تدوین مقررات تصویب کرده ولی هنوز بخش های مختلفی از این کار مانده که در حال تدوین است و امیدواریم که تا پایان سال بخش های عمده آن به پایان برسد که در آن زمان ما هم می توانیم لایحه بانک داری راستین را به مجلس تقدیم کنیم و همچنین آیین نامه اجرایی را برای تصویب به هیئت دولت بفرستیم. بخش هایی که از آن مانده مثل بخش سیستم قرض الحسنه هست یا تکافل اجتماعی و همچنین بخش ابزارها است که اوراق قرضه ایی به اسم اوراق قرضه راستین تعریف شده که این اوراق قرضه عملاً جای اوراق قرضه ربوی را می تواند بگیرد. این اوراق قرضه به عنوان یک ابزار مالی بسیار کارآمد می تواند سیاست های پولی بانک مرکزی و سیاست های مالی دولت و همچنین مشکلات تامین مالی بانک های تجاری خصوصی را رفع کند، که بعد از تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲ به نظر من این اولین قدم مهم، اجرایی و مثبت در این زمینه است که می توان معضلاتی که قانون عملیات بانکداری بدون ربا مصوب سال ۶۲ به وجود آورد را برطرف کند، چون آن قانون عملاً یک قانون موقتی بود قرار بود که تا ۵ سال اجرا شود ولی خب تا الان هم در حال اجراء است و اون قانون مشکلات و صدمات بسیاری را از ابعاد مختلف پولی، مالی و اقتصادی به کشور تحمیل کرد و حتی آثار اجتماعی خیلی پر آسیبی را به کشور وارد کرد. من جمله ابزار های مالی بانک مرکزی و دولت را که اوراق قرضه بودند از آنها گرفت و این موضوع عملاً دست بانک مرکزی را در کنترل تورم کوتاه کرد و بانک مرکزی نتوانست در سه دهه گذشته تورم را کنترل کند و نتیجه آن این بود که آسیب های اجتماعی که از سمت تورم به مردم جامعه رسید، بسیار حاد بود. اوراق قرضه راستین می تواند جایگزین اوراق قرضه متعارفی باشد



بانکداری راستین بعد از اجرا در ایران به عنوان یک الگوی خوب و قابل نسخه برداری برای سایر کشور های دنیا معرفی شود و آن مفهومی که در جهان بینی اجتماعی عرفان اسلامی مد نظر است را پی بگیرد که یکی از مفاهیم آن انترناسیونالیسمی هست که در جهان بینی آن وجود دارد. یعنی اسلام مرزها را احترام می کند ولی آنها را اعتباری می داند و فرقی میان انسان هایی که پشت مرزهای خودش قرار دارد و انسان هایی که در آن سوی مرز قرار دارند قائل نیست بلکه هر دو را ملک او می داند و قصد دارد که هر دوی اینها را به گونه ایی متعالی به سمت تعالی خودشان پیش ببرد. و من هم امید دارم که این موضوع قدمی در این جهت باشد و آثار مثبت آن در سطح بین المللی ظاهر شود و همچنین علاوه بر این موضوع خود من شخصا با خیلی از مقامات اقتصادی دنیا مکاتبه کردم و این موضوع را گفتم که راه حل اصلاح ساختاری فعلی دنیا با استفاده از شیوه های بانکداری راستین ممکن است. برای مثال با رئیس بانک مرکزی فدرال رزرو آمریکا، آقای برنانکه، و رئیس خزانه داری آمریکا، آقای گاتر و یا به رئیس صندوق بین المللی پول، خانم کریستین لاگارد و به آقای ژان کلو د تریشه، رئیس کمیسیون اقتصادی اروپا و خیلی از مقامات دیگر مکاتبه کردم و مقالاتی در ارتباط بانکداری راستین فرستادم و عرض کردم که راه حل اصلاح ساختار مالی کشور های غربی از این طریق می تواند باشد. این موضوع خیلی واضح است که اگر اقتصاد کشور های غربی دچار این سیکل ها و نوسانات نشود اقتصاد کشور های دیگر من جمله ایران هم از این سیکل ها تا حدودی رها می شود و این نکته از نظر اقتصادی هم به نفع ما هست و به طور کلی در هر جای دنیا هر رونق و پیشرفتی که اتفاق بیافتد در بلند مدت الا و لابد به نفع همه مردم جهان است. مثال می زنم اگر در کشوری که حتی با کشور ما در خصومت و جنگ باشد راه درمان سرطان و یا یک بیماری لاعلاج دیگر را کشف شود بعد از مدتی این روش به خود ما منتقل می شود و ما هم می توانیم از آن بیماری لاعلاج و یا سرطان جلوگیری و آن را درمان کنیم. یعنی اگر ما طبق آن دستور جهان بینی عرفان اسلامی که به ما تعلیم داده شده، سعی کنیم که در ارتقا و تعالی جامعه بشری در سطح بین المللی هم قدمی بر داریم مسلما خود ما هم مثل باقی دیگر افراد این سیاره از آن بهره خواهیم برد.

که در قوانین قبلی مثل قانون تجارت که قبل از عملیات بانکی بدون ربا بوده و حذف شده بود را احیا کند و ابزار مناسبی را در اختیار بانک مرکزی و دولت قرار دهد که آثار این ابزار از لحاظ اجتماعی هم بر جامعه بسیار مفید و محسوس خواهد بود. ان شاء الله. بخش های مهمی که از بانک داری راستین مانده و هنوز در دست انجام است، بخش زیر سیستم تامین اجتماعی است. الان سیستم تامین اجتماعی در ایران بسیار ناکارا عمل می کند، خیلی پر هزینه است و بار مالی سنگینی را بر بنگاه های تولیدی وارد کرده به گونه ایی که ۳۰ درصد هزینه های پرسنل یک بنگاه را به خودش اختصاص می دهد و این رقم خیلی بالاست به علاوه اینکه نشت سازمان تامین اجتماعی بسیار زیاد است و قابلیت کنترل مالی در آنجا بسیار ضعیف است. این سیستم را به گونه ایی در اینجا در حال طراحی هستیم که از مسائلی که باعث می شود که سازمان تامین اجتماعی بار مالی را بر تولید کشور وارد کند را جلوگیری کرده آن را رفع کنیم. از زیر سیستم های دیگر آن می توان از زیر سیستم هایی نام برد که در ذیل قوه قضایه تشکیل می شود مثل ادارات ثبت. این سیستم ها مثل سیستم های ثبت وثایق هست و سیستم های تامین وثیقه مالی است. این های یک سری سیستم های مبتنی بر اطلاعات و تکنولوژی و فناوری اطلاعات قرار دارد که بسیاری از مشکلات و مسائل موجود که منجر به تقلبات و تخلفات مالی در بانک ها می شود را جلوگیری می کند. این سیستم ها ذیل قوه قضایه باید طراحی شود. در آن لایحه قانونی پیش بینی شده و جزییات عملیاتی آن هم طراحی شده که در چه چارچوبی باید تعریف شود. البته مسلما اینها نیاز به یک سری برنامه نویسی های کامپیوتری دارد که در مرحله های بعدی انجام خواهد شد. زیر سیستم های مبتنی بر تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات بانک مرکزی نیز تعریف و طراحی شده که چگونه بانک مرکزی بر عملیات مالی بانک ها نظارت داشته باشد و همچنین این زیر سیستم ها پیش عملیات را انجام می دهند یعنی به نحوی قسمت های بازرسی در بانک ها را فعال می کند که مانع از تخلفات مالی پرسنل در شعب مختلف شود. همه اینها مجموعه ابزار های لازم را برای رشد و توسعه بانکداری راستین فراهم می کند که به طور جزئی و با توجه به زیر عملیات لازم در حال تکمیل و طراحی است. من امید دارم که بانک داری راستین وقتی به مرحله اجرای عمومی برسد خیلی از مسائل فعلی اقتصاد کشور را بتواند حل کند. علاوه بر این اساتید مختلفی از دانشگاه های مختلف دنیا و دستگاه های اجرایی و بانک های مختلف دنیا با خود بنده ملاقات کردند و به ایران آمدند که در مورد این موضوع بیشتر بدانند و چون موضوعات آن موضوع اصلاح ساختار مالی است و مساله اصلاح ساختار مالی در همه کشور ها مد نظر قرار گرفته به خصوص در کشور های غربی زیرا به این نتیجه رسیده اند که باید به گونه ایی ساختار های مالی اصلاح شود که جلوی سیکل ها و نوسانات اقتصادی گرفته شود و خب بانک داری راستین همین ابزار را می تواند ارائه کند.

آیا این نظریه بانکداری راستین از طرف سایر کشور ها هم مورد توجه قرار گرفته؟ نظر شما راجع به گسترش جهانی این ایده چیست؟ یا بهتر این نیست که به صورت انحصاری از آن استفاده بشود؟

از کره، از انگلستان، از مالزی و خیلی کشورها مراجعه کردند و من هم ترتیباتی دادم که ملاقات هایی داشته باشند و از بانک ملی و بانک قرض الحسنه مهر ایران و بانک مرکزی تقاضا کردم که به آنها گزارش هایی را بدهد تا بیشتر با بانک داری راستین آشنا شوند و من امید دارم



فرمایشات حضرت آقای مجذوب‌علیشاه « فکر و ذکر و تسلط بر قوه خیال »

مجلسی صبح جمعه، ۲۳ دیماه سال ۱۳۹۰

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله عالم خیلی خوب شده، بهتر است و انشاءالله اگر سروصدا هم نباشد بهتر خواهیم شد. انشاءالله حال همه شما هم خوب باشد. شعری هست که می‌گوید:

وز خیالی نامشان و ننگشان وز خیالی صلحشان و جنگشان

این خیال اسب سرکشی است و خداوند به عقل دستور و قدرت داده که این اسب‌های سرکش را مهار کند و قافله و ارابه‌ی کلید عرفانش را بتواند دست بگیرد. بنابراین نمیتوانیم بگوییم خیال به طور مطلق بد است، پس چرا خدا آفرید؟ که ما همیشه اسیر خیالات باشیم؟ خیال باید باشد ولی تحت امر ما، نه اینکه ما تحت امر او باشیم و یکی از اهداف و نیت‌های سلوک، همین تسلط بر خیال است. اگر خیال مربوط به آرزوهای خام (غیر شرعی) و غیر عقلی باشد، آن خیال مضر است ولی در عرفان و درویشی با توجه به ذکر و فکر موجب می‌شود که کم‌کم خیال در اختیار ما قرار بگیرد.

در روانشناسی که درس می‌دهند آنهایی که به نوعی مربوط به انسان است مانند ساختمان است، حالا خیلی از ساختمان‌ها بالا می‌روند، یک مرتبه می‌بینید یک برجی سبز شد، آنچه از این ساختمان نصیب من و شماست همین ظاهرش است. خیلی بخواهیم بیشتر بدانیم باید اطرافش بگردیم از هر پنج، شش طرف این ساختمان را ببینیم اما آیا آن ساختمان داخلش چکه می‌کند، شوفاژهایش آب می‌دهد؟ چه و چه؟ نه، اینها را که ما نمی‌دانیم. یک ساختمان‌هایی هست که خیلی قشنگ و خوب است اما این هم یک عیوبی دارد. مورد دیگر یک ساختمانی هست که ظاهرش به آن قشنگی نیست ولی آن عیب‌ها را ندارد، شما اگر خریدار آپارتمانی باشید اگر فقط همین دیدها را

نگاه کنید خودتان کلاه سر خودتان گذاشته اید برای اینکه شما اینجا را می خرید که درونش زندگی کنید نه در خیابانش. ولی خوب به این طریق می بینید که ظاهر ساختمان هم بی اثر نیست. نباید بگویید ظاهر ساختمان را دور می ریزیم، نه، ظاهر ساختمان هم قشنگ است البته می تواند تا یک حدی نمونه ای از درون باشد. اگر یک ساختمانی که خیلی خوب درست می کنند خیلی خرجش می کنند این را هرگز نمی آیند کاهگلی کنند، حتماً بیرونش را هم قشنگ می کنند. بنابراین نباید بگویید که چون بیرون ساختمان قشنگ است پس درونش قشنگ است، نه و همچنین نباید بگویید چون بیرونش مخروبه است درونش هم مخروبه است، نه. باید ببینید، بگردید. درویشی دست شما را می گیرد می برد یک ساختمان را نشان می دهد، ذکر قلبی به شما می دهد، ذکر و فکر می دهد، بگردید این ساختمان یعنی این خیال را، ساختمان که خیال درونی باشد، برای شما روشن می کند اما از برون هم غفلت نکنید. در روانشناسی این را گفته اند.

مخترعین نمونه این هستند که از تخیل بهره علمی می برند. فرض کنید مثلاً: اول بار ماشین بخار درست می کردند، کشتی از بخار و اینها بود، تا کم کم پیشرفت کرد و حدسش هم این بود که فن پین آلمانی، همه اش در این فکر بود که چه وسیله ای برای حرکت ایجاد کند که خودش خسته نشود، همیشه در این فکر بود. خوب در مجلسی مثلاً "یک عده ای نشسته بودند، یک کتری روی شوفاژ بود، جوش آمد، قل قل می کرد، سر کتری مدام بالا می پرید، همه خوب این را می دیدند، فن پین فوری به خاطرش رسید که من که می خواهم حرکت ایجاد کنم الان این سر کتری از چه چیزی به حرکت افتاده؟ از بخار آب، پس من هم می توانم از بخار آب استفاده کنم. او روی این فکر موتورهای آبی را اختراع کرد. این جوش آمدن آب را همه دیدند، خیلی قبل دیده بودند، اما هیچکس به فکر نبود، فن پین چون همه توجه اش به این بود که یک همچین چیزی اختراع کند فوری استفاده کرد.

حالا ما هم خیالاتمان را اگر در تحت تسلط خودمان درآوریم، به هر اندازه که تحت تسلط درآوریم قدرت پیدا می کنیم، مسلط شدن بر خیال هم یعنی بر خودمان مسلط بشویم.

گاندی را که یکی از بزرگان دینی ما، آیت الله است خیلی مرد فاضلی بود، می گفت ما چون مسلمان هستیم و می گوئیم بعد از پیغمبر ما، پیغمبری نمی آید نمیتوانم این حرف را بزنم و الا می گفتم گاندی پیغمبر است. حالا من آن حرف را نمی گویم ولی می گویم گاندی عارف است، در هر دینی هست عارف است.

گاندی را بعد از آنکه در یک مبارزه منفی به اصطلاح قامت مدنی پیروز شده بود و انگلیس ها تسلیمش شده بودند، آنچه که حق قانونی می خواست چون هندوستان مثل یک استانی یا شهرستانی از انگلیس بود که فرماندار برایش می فرستادند، فرماندار انگلیسی فرستاد، گاندی را آوردند. خوب این خیال می کرد، شاید آن فرماندار الان با هیأت می آید، تاج روی سرش است و چهار نفر این طرف و آن طرفش هستند، دید نه، یک مرد استخوانی آمد، برای اینکه چشم او فقط این استخوان را می دید آن روح را نمی دید. آن چشم را نداشت که در روح نفوذ کند.

خوب اول که با یک قدری تحقیر نگاه کرد پرسید گاندی تو هستی؟ گفت بله، گفت تو می خواهی با این کارهایت بر انگلستان مسلط بشوی؟ گاندی گفت خیر، چه کسی گفته؟ من می خواهم بر خودم مسلط بشوم. این همانی است که ما می خواهیم، به خاطر این ما می گوئیم اوعارف است، گفت من می خواهم بر خودم مسلط بشوم و به هر اندازه در این کار موفق بشوم انگلستان که سهل است بر دنیا هم مسلط می شوم.



یک هفته بی خبری مطلق از وضعیت درویش بازداشت شده

بیش از یک هفته از دستگیری چهار درویش گنابادی در شهرهای شیراز و تهران می‌گذرد.

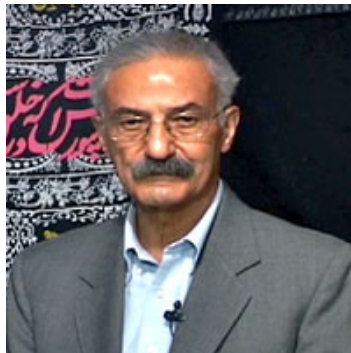
به گزارش خبرنگار مجذوبان نور، یک هفته از دستگیری آقایان کسری نوری، علی مرتضایی، یوسف محمد رضایی و خانم سیمین نعمت الهی می‌گذرد ولی پیگیری وکلا و خانواده‌های این درویش گنابادی تا کنون بی‌نتیجه مانده است و از وضعیت این درویش هیچ اطلاعی بدست نیاورده‌اند.



تمامی این درویش در روز چهارشنبه ۲۱ دی ماه قبل از ساعت ۷ صبح در منازلشان بازداشت شده‌اند. در این بین آقایان علی مرتضایی و یوسف محمدرضایی و خانم سیمین نعمت الهی از درویش گنابادی ساکن تهران هستند و در بازداشتگاه امنیتی بند ۲۰۹ زندان اوین نگهداری می‌شوند و تا کنون اجازه ملاقات با وکلا و خانواده خود را نداشته‌اند و آقای کسری نوری از درویش گنابادی ساکن شیراز در بازداشت اداره اطلاعات شیراز معروف به پلاک ۱۰۰ می‌باشد و پرونده این درویش گنابادی در شعبه ۷ دادگاه انقلاب شیراز به اتهام اقدام علیه نظام در حال پیگیری می‌باشد ولی وکلا و خانواده این درویش گنابادی تا کنون موفق به ملاقات با وی



نشده‌اند. اتهام آقای نوری و خانم نعمت الهی اقدام علیه نظام اعلام شده ولی اتهام آقایان مرتضایی و محمدرضایی همچنان نامشخص است.



در این بین آقای نصرالله لاله، از درویش گنابادی ساکن تهران و مدیر انتشارات حقیقت هم اکنون بیش از یک ماه است که در بند امنیتی ۲۰۹ زندان اوین نگهداری می‌شوند و پس از گذشت یک ماه همچنان ایشان از ملاقات با خانواده و حتی وکلای خود محروم بوده است. خانواده این درویش گنابادی از وضعیت جسمی آقای لاله به دلیل کهولت سن، بسیار نگرانند و به گفته اطرافیان آقای لاله ایشان حتما باید زیر نظر پزشک باشند و داروهای خود را بصورت مستمر و هر روز مصرف کنند.

موج تازه بازداشت و آزار و اذیت درویش گنابادی از نیمه شهریور سال جاری از سوی نیروهای امنیتی و لباس شخصی با شدتی بی‌سابقه آغاز و تاکنون ادامه داشته است. بازداشت و آزار و اذیت درویش گنابادی از چهارماه گذشته تا حال ادامه داشته است و هم اکنون بیش از ۲۰ درویش گنابادی در زندان‌های اوین تهران، عادل آباد و پیربنان و اداره اطلاعات شیراز محبوس هستند.

سخنی با عوامل سازنده برنامه «عرفان‌های کاذب» شبکه ۳ سیمای جمهوری اسلامی ایران

علیرضا عرب

در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۴ در برنامه «عرفان‌های کاذب» شبکه ۳ سیما سجده و پابوسی شیخ بزرگوار سلسله نعمت الهی گنابادی؛ یعنی جناب آقای حاج یوسف مردانی را در برابر مولای مومنان حضرت آقای مجذوب علیشاه نشان دادند و این عمل را در کنار اعمال شیطان پرستان قرار دادند تا بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین سلسله عرفانی جهان مسلمانی را که مورد تایید علمای طراز اول تاریخ تشیع بوده و هست - و ما این مطلب را در کتاب: «تصوف و عرفان از دیدگاه علمای متاخر شیعه» اثبات کرده‌ایم - به عنوان یک طریقه کاذب و دروغین نشان دهند. این در حالی است که پس از سجده جناب آقای خواجه گراشی در برابر حضرت آقا و هوچیگری عمله شیطان در آن زمینه، بنده پاسخ شبهه عمله شیاطین را در مقاله: «سجده نور به نور» دادم که در شماره ۳۵ و ۳۶ نشریه وزین: «عرفان ایران» چاپ و منتشر شد و در آن، مبانی دینی جواز و بلکه وجوب سجده بر انسان کامل را مطرح کردیم. اما ظاهراً عمله شیاطین که با ساخت این برنامه‌های سبک سرانه به جنگ خدا و اولیای خدا می‌روند و دنیا و برزخ و آخرت دردناکی را برای خود فراهم می‌سازند، آن مقاله محققانه را نخوانده‌اند. به همین جهت خطاب به تهیه کننده و دیگر عوامل این برنامه می‌گوییم: آقایان، وقتی معنی چیزی را نمی‌فهمید بیاید زانوی ادب بزنید و بنشینید تا به شما بیاموزیم معنی این سجده و پابوسی چیه. تا با این درک نادرست، به خدا و پیامبران و فرشتگان و اولیای خدا توهین نکنید. حتماً اگر فیلم سجده یعقوب (ع) و همسر و فرزندان‌ش در برابر یوسف (ع) هم به دستتان می‌رسید این پیامبران بزرگ خدا رو هم کنار شیطان پرست‌ها می‌گذاشتید؟ آنجا یعقوب و بچه‌هایش به شخصی کامل‌تر از خودشان سجده کردند، اینجا هم یوسف عزیز عصر ما به انسان کامل و کامل‌ترین انسان عصر خودش سجده کرده است. چه فرقی دارد؟ یا حتماً اگر فیلم سجده فرشتگان به آدم (ع) هم به دستتان می‌رسید این موجودات پاک خدا را هم شیطان پرست معرفی می‌کردید و سجده‌شان را تقبیح می‌کردید؟ و اگر آنجا بودید با ابلیس هم رأی و هم‌نوا می‌شدید و در برابر خدا تکبر می‌کردید و به آدم سجده نمی‌کردید؟ یا حتماً اگر در عصر حضرت رضا (ع) بودید و سجده آن زن پیر و فرتوتی را که حضرت دوباره او را جوان کرده بود در برابر حضرت می‌دیدید و می‌دیدید که حضرت به این عمل او تبسم کرده‌اند و این عمل را مثل شماها تقبیح که نکرده‌اند هیچ، بلکه تایید فرموده‌اند نعوذ بالله منکم و من کل الشیاطین ایشان را تهدید می‌کردید که فیلمش را نشان مردم می‌دهید و هزاران بار نعوذ بالله ایشان را شیطان پرست می‌شناسانید؟ آقایان ما که می‌دانیم این برنامه‌های بی‌مغز و بی‌معنا به چه نیت‌هایی ساخته می‌شود. در ضمن اگر در این مثلاً روشنگری‌ها صادق هستید و واقعا این عمل را شیاطینی می‌دانید پس چرا عمل‌های مشابه دست بوسی و پابوسی را که بلوتوش در جامعه پخش شد و همگان دیدند پخش نکردید؟ جرأت ندارید یا آن‌ها را هم طیف خود می‌بینید؟ من خود بارها شاهد بوده‌ام که کسی جلو رفته تا دست جناب آقای مردانی را ببوسد اما ایشان مانع شده‌اند و فرموده‌اند این کار، بت پرستی است. و وقتی با این سوال آن شخص روبرو شده‌اند که: پس چرا اجازه دادید فلان شخص دست و پای شما را ببوسد؟ فرموده‌اند: او در این دست و پا چیزی مشاهده می‌کرد و بوسه بر آن می‌زد نه بر این پوست و گوشت و استخوان. که منظورشان نور الهی متجلی شده در آئینه قلب مبارکشان بود. پس خود ایشان هم وقتی تجلی قوی‌تر و کامل این نور را در آئینه قلب مولایش می‌بیند به او سجده می‌برد و در حقیقت به آن نوری که در آئینه قلب او می‌بیند سجده می‌برد نه بر پوست و گوشت و استخوان او. درست مثل سجده یعقوب بر یوسف. البته حق دارید که این معنا را نفهمید و درک نکنید. زیرا درک این مسایل با تاییدات الهی به قلب سالک دردمند افزای می‌شود و در حوزه درک عقل جزوی نمی‌گنجد.

در پایان خطاب به مولای مومنان؛ حضرت آقای دکتر نور علی تابنده - مجذوبعلیشاه - عرض می‌کنیم:

تو را چنان که تویی هر نظر کجا بیند
به قدر بینش خود هر کسی کند ادراک

و خطاب به این برنامه سازان هم می‌گوییم:

در خانه کعبه گر بود منزل تو
وز زمزم اگر سرشته باشد گل تو
گر مهر علی نباشد اندر دل تو
مسکین تو و سعی‌های بی‌حاصل تو

یا علی - التماس دعا

پوشیده و مرموز است که با وسایل عادی و یا با کوشش عقلانی قابل حصول نیست. تصوف عبارت است از جریان روحانی عظیمی که از میان همه ادیان می‌گذرد در وسیع‌ترین معنای کلمه می‌توان آنرا به حکمت، عشق، نور یا عدم (لا شیء) معنا کرد.

در هر صورت چنین تعریفاتی صرفاً اشاره و دلیل راه هستند. چرا که حقیقتی که غایت و منظور عارف است، حقیقتی سر به مهر و ناگفتنی، هرگز از طریق انحای عادی ادراک قابل فهم و یا توصیف نیست، نه فلسفه و نه منطق هیچ کدام قادر به فاش ساختن آن نیستند، تنها حکمت دل، عرفان یا معرفت خفی است که می‌تواند بعضی از زوایای آنرا روشن سازد تجربه‌ای روحانی که بر مبنای روش‌های حسی و یا عقلی متکی نباشد مورد نیاز است. هر چه انسان خود را از تعلقات و وابستگی‌های این جهان بیشتر آزاد سازد و یا به روایت صوفیان (آئینه قلب خویش را بیشتر صیقل دهد) این نور باطنی بیشتر خواهد شد. تنها پس از گذشت یک دوره طولانی تطهیر و تهذیب روحی است که سالک به جایی می‌رسد که عشق و معرفت باطنی را به او عطا می‌کنند. عرفان و تصوف را می‌توان به عنوان عشق به (مطلق) تعریف نمود. چرا که نیرویی که معرفت حقیقی را از زهد و ریاضت کشی محض جدا می‌سازد، همان عشق و محبت است. عشق به خداوند تبارک و تعالی فرد سالک را قادر می‌سازد تا همه دردها و آلامی را که خداوند به منظور آزمایش و تطهیر روح به او نازل می‌کند تحمل نموده و بلکه آنرا لذت بخش یابد.

انسان می‌تواند این افکار و عقاید ذاتاً ساده را در هر مکتب عرفانی و صوفیانه‌ای بیابد اهل عرفان در همه مذاهب عالم سعی کرده‌اند تا تجربیات متنوع خویش را در سه گروه از صور ذهنی مختلف تداعی نمایند:

۱) تلاش پایان ناپذیر در جستجوی خداوند: در (طریقتی) که سالک یا رهروی طریقت باید آن راه را در طلب خداوند طی نماید، نمود و ظهور می‌یابد همانگونه که در تمثیلات مختلفی که در باب (پیشرفت سالک) و یا (سفر آسمانی) وارد شده دیده می‌شود.

۲) تحول و تبدیل روح آدمی از طریق درد و محنت و پالایشهای سخت صورت می‌پذیرد که معمولاً با علم کیمیا و یا فرآیندهایی از طبیعت و علوم ماقبل دانش جدید تداعی می‌شود: بدین معنا که آرزوی دیرینه تبدیل فلزات پایه به طلا در سطح روح آدمی تحقق پیدا می‌کند.

۳) بالاخره، دلتنگی و دورافتادگی عاشق و میل وافر او به اتحاد با معشوق (خداوند) در سمبل‌هایی که از عشق انسانی اخذ شده‌اند نمود پیدا می‌کند، غالباً ترکیب غریب و فریبنده‌ای از عشق الهی و انسانی در ادبیات عارفانه به چشم می‌خورد. مشی دوگانه عرفا (صوفیان) در دوره شکل‌گیری خود، مشی دوگانه‌ای را در تقرب به خدا پیش گرفتند. همان گونه که هجویری عارف (متوفای ۱۰۷۱ میلادی) در بحث خویش راجع به حال انس وهیبت می‌گوید: فرق است میان دلی که از جلالش اندر آتش دوستی سوزان بود و از آن دلی که از جمالش درنور مشاهده فروزان (کشف‌المحجوب، ۳۶۷) «فرق است میان آنکه اندر افعال متفکر بود و از آنکه اندر جلال متحیر بود. از این دو یکی ردیف خلّت بود و دیگری قرین محبت (کشف‌المحجوب، ۳۷۳)» انسان همچنین می‌تواند تمایزی را که توسط جامی در سخن صوفیان واصل (اهل وصل) به میان آورده شده در نظر آورد.

وی می‌گوید: «اهل وصل بعد از انبیاء صلوات الرحمن علیهم، دوطایفه‌اند: اول مشایخ صوفیه که به واسطه کمال متابعت رسول الله (ص) مرتبه وصول یافته‌اند، و بعد از آن در رجوع برای دعوت خلق به طریق متابعت



تحقیقی پیرامون تصوف و عرفان اسلامی

حمد و ستایش مر خدایی راست که بندگان خویش را وسیله‌ای برای درک ذات متعالی‌اش، جز اظهار عجز و فروتنی در مقام این درک و شناخت، عطا نکرده است. از ابوحفص پرسیدند صوفی کیست؟ پاسخ داد: صوفی کسی است که نپرسد صوفی کیست. در سالهای اخیر کتب زیادی درباره تصوف و حیات معنوی در اسلام به چاپ رسیده است.

تا نیایی نجویی نوشتن درباره تصوف یا همان عرفان اسلامی، کاری تقریباً غیرممکن است. در قدم اول قله‌های مرتفعی در پیش چشم انسان ظاهر می‌شوند که هر چه طالب بیشتر در جستجوی راه باشد وصول به هر گونه هدفی مشکل‌تر می‌نماید وی ممکن است در گلزارهای شعر عارفانه سکنی گزیده و یا در صدد رسیدن به قله‌های بلند تفکرات و نظریات عرفانی حکمت الهی باشد ممکن است در وادیهای قابل دسترسی تقدیس از عرفای مشهور توقف نموده و یا اینکه در بیابانهای بی‌پایان خطبه‌ها و مواعظ نظری درباره ذات خداوند، جهان و یا ماهیت تصوف پیش رود و یا اینکه... بنابر هر تقدیر تنها افراد معدودی می‌توانند به دورترین کوهسارها جایی که مرغ افسانه‌ای (سیمرغ) زندگی می‌کند پرواز نمایند و به جایی برسند که بفه‌مند آنچه را به دنبالش بوده‌اند در واقع در درون خود ایشان بوده است. حمد و ستایش مر خدایی راست که بندگان خویش را وسیله‌ای برای درک ذات متعالی‌اش، جز اظهار عجز و فروتنی در مقام این درک و شناخت، عطا نکرده است. از ابوحفص پرسیدند صوفی کیست؟ پاسخ داد: صوفی کسی است که نپرسد صوفی کیست. در سالهای اخیر کتب زیادی درباره تصوف و حیات معنوی در اسلام به چاپ رسیده است.

هر یک از این کتب و رسالات یک وجه از قضیه را مورد عنایت قرار داده‌اند زیرا پدیده‌ای که به نام تصوف خوانده می‌شود آنچنان وسیع و گسترده، ظهور و نمود آن به حدی متنوع و رنگارنگ است که هیچ کس جرأت توصیف کامل آنرا به خود نمی‌دهد در بدء الامر باید تعریفی از تصوف داشته باشیم. تصوف چیست؟

در مورد آیین تصوف یا صوفی‌گری، نامی که برای عرفان اسلامی بکار می‌رود، برای نزدیک شدن به معنای جزئی آن ابتدا باید از خود پیرسیم عرفان یا باطنی‌گری به چه معنا است؟ آیا در پشت این الفاظ چیزی

روح آدمی است» (ابو القاسم قشیری، رسائل قشیری، ص. ۶۰) عرفا و متصوفه اسلامی، هنگامی که تصوف و اوصاف عرفا و صوفیان نمونه را مورد بحث قرار می‌دادند، از بازی با ریشه «صفا» پاکیزگی لذت می‌بردند «آنکه به محبت مصفا شود صافی بود و آنکه مستغرق دوستی شود واز غیر دوست بری شود صوفی بود» (کشف المحجوب، ص. ۳۴) یعنی اینکه کسی که کاملاً جذب معشوق الهی گردیده و به هیچ چیز جز ذات مقدس او نمی‌اندیشد به مقام واقعی صوفی بودن دست یافته است. حتی عارف و شاعر بزرگی چون مولانا جلال الدین محمدبلخی در مثنوی معنوی (دفتر سوم، بیت ۳۲۶) تصوف را به این صورت تعریف می

کند که: ما التصوف قال وجدان الفرخ فی الفؤاد عند اتیان القرح «تصوف چیست؟ گفت: یافتن فرخ و شادی هنگامی که غم و اندوه می‌آید» تصوف در دوران اولیه شکل گیری تصوف، در دوران اولیه شکل گیری خود، عمدتاً به معنای «درون گرایی» (روی به درون آوردن) اسلام بود، تجربه شخصی مرکزی اسلام «اعلام اینکه خدا یکی است» صوفیان همواره در داخل حصار اسلام باقی می‌ماندند، و گرایش هیئت عرفانی آنان هرگز از ناحیه قبول هیچکدام از مکاتب فقهی و شرعی زمانه محدودیت نمی‌یافت، و هیچ یک از اختلافات بین مذاهب و بحث‌های کلامی مورد علاقه آن‌ها نبود. همچنین در رابطه با کسب علوم مختلفه به مقدار ضرورت بسنده می‌کردند به عنوان مثال در مورد علم نجوم و جغرافیا به آن مقدار که می‌توانستند جهت مکه را پیدا کنند و در جهت قبله نماز بگذارند از علم ریاضیات به آن مقدار که بتوانند به وسیله آن مقدار زکات و عشر را تعیین کنند اکتفا می‌کردند. و بر این باور بودند: که علم یا دانش، که طلب آن بر هر مرد وزن مسلمان واجب است، عبارت از علم به وظایف و تکالیف اسلامی است: علم جز بهر حیات حق مخوان و زشفا خواندن نجات خود بدان علم دین فقه است و تفسیر وحدیث هر که خواند غیر این گردد خبیث

(عطار، مصیبت نامه، ص. ۵۴) اهل تصوف از همان ابتدا بین صوفی حقیقی «متصوف» و «مصطوف» کسی که ادعای صوفی بودن می‌کند اما در حقیقت یک مزاحم بی‌فائده و حتی خطرناک است، تفاوت قائل شده‌اند.

آن‌ها خوب می‌دانستند که «طریق سپردن معانی بسیار دشوار باشد جز برای آنکه وی را از برای آن آفریده باشند». برای کسی که به جهت صوفی شدن زائیده نشده است اختیار طریقه تصوف عملاً غیر ممکن است. صوفی نتوان به کسب اندوختن در ازل آن خرقة باید دوختن و کوشش فرد برای صوفی شدن (بدون مقدرات ازلی) مانند کار خری بود که به جد و جهد بخواهد اسبی گردد: راست ناید صوفی هرگز به کسب خر کجا گردد به جد و جهد اسب؟ (عطار، مصیبت نامه، ص. ۷۱-۷۰) اما نوگرایان مسلمان و صوفیان میانه رو، در انتقاد خویش از پرستش شیوخ و اقطاب طریقت و پیران سلاسل جلوه‌ای از اسلام مردمی که خطرات آن را تا کسی خود در مشرق زمین زندگی نکند درست درک نمی‌نماید اتحاد و هم‌زمانی کامل دارند. اما جهت رسیدن به این نقطه ابتدا باید راه طولانی تاریخچه بیرونی تصوف را طی نماییم. باید ببینیم چگونه حرکت تصوف، در زمانهای مختلف و به تناسب شخصیت‌های گوناگون رهبران معنوی خویش، به اشکال متفاوت در آمده در حالی که همواره ذات جوهر آن ثابت باقی مانده است.

مسعود رحیم‌پور

پایگاه اطلاع رسانی اصلاح

مأذون و مأمون شده‌اند این طایفه کاملان مکمل‌اند که فضل و عنایت ایشان را بعد از استغراق در عین جمع و لجه توحید از شکم ماهی فنا به ساحل تفرقه و میدان بقاء خلاص و مناصی ارزانی فرموده تا خلق را به نجات و درجات دلالت کنند و اما طایفه دوم آن جماعت‌اند که بعد از وصول به درجه کمال، حواله تکمیل و رجوع به خلق از ایشان نرفت و غرقه بحر جمع گشتند و در شکم ماهی فنا چنان ناچیز و مستهلک شدند که از ایشان هرگز خبری و اثری به ساحل تفرقه و نجات بقا نرسیده و در سک زمره سکان قباب غیرت قطان دیار حیرت انحراف یافتند و بعد از کمال وصول، ولایت تکمیل دیگران به ایشان مفوض نگشت» (جامی، نفحات الانس، ۷۸) تفاوت و تمایزی که تاریخ ادیان جدید بین به اصطلاح روح یا روحیه «پیامبر گونه» و «عارفانه» قائل می‌شود را می‌توان به وضوح در توصیف فوق‌الذکر جامی از دو طایفه صوفیه مشاهده نمود:

(۱) آنهایی که به گوشه نشینی و عزلت کامل روی آورده و در اولین «هجرت» از خود به سوی معبود واحد «تنها در فکر نجات و رستگاری خویش هستند. (۲) آنانی که از تجربه عرفانی خویش در مقام ولایت گونه و بالاتری رجوع نموده و قادر به راهبری دیگران در طریق هدایت هستند. نحوه نگرش و برخورد با پدیده «تصوف یا عرفان نحوه نگرش و برخورد با پدیده تصوف (عرفان) چند جنبه است تجزیه و تحلیل خود تجربه عرفانی کاری تقریباً غیر ممکن می‌نماید، زیرا که واژه‌ها هرگز قادر به وصل به اعماق آن نیستند. حتی ظریف‌ترین تحلیل‌های روان‌شناسانه نیز محدودیت دارند، همانگونه که صوفیان (عرفا) می‌گویند، واژه‌ها تا ساحل اقیانوس عرفان پیش‌تر نمی‌آیند. فهم و درک تصوف از طریق تحلیل و بررسی ساختارهای معین و معلوم ساده‌تر به نظر می‌رسد. از آنجا که تصوف تا حد زیادی بر اصل آیین ورود و پذیرش فرد طالب یا مرید بنا شده است لذا بررسی و مطالعه زمینه‌هایی نظیر روش‌های متفاوت تعلیم روحی، ممارست‌هایی که در بین سلسله‌های گوناگون صوفیه عمل می‌شود، مراحل روان‌شناختی و پیشرفت و تکامل مرید، نحوه شکل‌گیری هریک از سلسله‌ها، و نقش اجتماعی و فرهنگی هر کدام، بسیار جالب و آموزنده خواهد بود.

اما در تفسیر و تاویل کتب عرفانی اسلامی نباید این مطلب را از خاطر دور داشت که بسیاری از کلمات و سخنانی را که ما دارای معانی فلسفی یا کلامی عمیقی می‌دانیم در اصل ممکن است به منظور بازی با کلمات ادا شده باشند، پاره‌ای از تعاریفی که در کتب کلاسیک تصوف یافت می‌شوند احتمالاً به عنوان نوعی معما بر زبان شیوخ و بزرگان طریقت جاری شده‌اند. تناقض به منظور ضربه زدن جهت بیدار کردن شنونده یا آتش بحث را روشن کردن و یا گیج و حیران کردن قوای عقلانی تا اینکه زمینه برای فهم و درک غیر منطقی یا «حالت» و یا «مقام» عرفانی مورد نظر فراهم شود.

نظر صوفیه در مورد منشأ نام تصوف تعاریف صوفیه به دوران اولیه صوفی‌گری بر می‌گردد. هجویری، در نیمه قرن یازدهم میلادی (قرن پنجم هجری) این بحث را چنین جمع بندی می‌کند: «گروهی گفته‌اند که صوفی را از آن جهت صوفی خوانند که جا مه صوف دارد گروهی گفته‌اند که بدان صوفی خوانند که اندر صف اول باشند و گروهی گفته‌اند که بدان صوفی خوانند که تولی به اصحاب صفا کنند و گروهی گفته‌اند که این اسم از صفا مشتق است. «کشف المحجوب، ۳۰» اما تصوف چیزی بیش از اینهاست. جنید رهبر بلا منازع مکتب عراقی عرفان و تصوف اسلامی «متوفی در سال ۹۱۰ م. ۲۹۸ ه. ق.» می‌نویسد: «تصوف با کثرت نماز و روزه حاصل نمی‌شود، بلکه آن، اطمینان قلب و سخای